

دانشگاه امام صادق(ع) | چگونه امتحان می شویم - ۱

پناهیان: عاشورا محل اتحاد شیعه و سنی است؛ برخی یاران حسین(ع) شیعه نبودند/ باید با تشکیل جلسات مشترک شیعه و سنی، عزاداری حسین(ع) را توسعه داد/ امام(ره): عزاداری به نفع ماست؛ همین نفع دنیایی اش را حساب کنید!

پناهیان: در موضوع کربلا اصلاً بحث شیعه و سنی مطرح نیست. اگر یزید دشمن امام حسین(ع) بوده، او بیشتر در حق اهل سنت جنایت کرده است. حتی اگر مأموران با واسطه یزید، در کربلا امام حسین(ع) را به شهادت رساندند، مأموران بی واسطه یزید در مدینه جنایات بیشتری مرتکب شدند. یعنی از نظر نوع جنایت، رفتارهای آنها قبیح تر از آن چیزی بود که در کربلا از عمر سعد دیده شد... نه ما شیعیان حق داریم حسین(ع) را تنها از خودمان بدانیم و بس، و نه برادران اهل سنت باید حسین(ع) را فراموش کنند و او را از خود ندانند؛ البته این به رفتار ما هم بستگی دارد.

در این جلسه حجت الاسلام پناهیان به جوانان پیشنهاد کرد: «از شما جوانان فهمیده و فرهیخته تمنا دارم که بخشی از عزاداری خودتان و بخشی از فعالیت خودتان برای حسین(ع) را به گستراندن فرهنگ عزاداری و فکر عزاداری در میان همه مسلمانان اختصاص دهید و اگر در میان مسلمانان هر کجا چنین عزاداری‌هایی هست، پرچم‌های آنان را برافراشته‌تر کنید. به آن مجالس کمک کنید که بسیاری از اوقات ثوابش بیشتر از این است که بیایید در مجالس مؤمنینی که همه‌شان هم عقیده خودتان هستند.»

این استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به فرمایشات امام راحل(ره) از بی توجهی به بررسی علمی آثار و برکات دنیوی عزاداری امام حسین(ع) گلایه کرد و گفت: «غفلت از ابعاد دنیایی و آثار روحی و روانی که در همین دنیا برای ما دارد، و غفلت از برکات عزاداری، چیزی جز رذالت و خبثت نیست. مگر انسان می‌تواند چنین وقایع با عظمتی را در حیات بشری، نادیده بگیرد؟ آیا قابل قبول است که این همه مقاله در موضوعات پیش پا افتاده تهیه می‌شود، ولی در مقابل چنین عظمتی، هیچ اتفاق خاصی نیفتد؟ یک روانشناس منصف طبیعتاً می‌آید و این موضوع را دقیق مطالعه می‌کند. درک عظمت عزاداری و آثار و برکاتش، نیاز به دین و ایمان و معنویت و محبت هم ندارد.»

امسال هفتمین سالی است که حجت الاسلام علیرضا پناهیان سخنان دهه اول محرم هیئت دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع) - هیئت میثاق با شهدا- و میثم مطیعی نیز مانند سالهای گذشته عهده‌دار مداحی این بزرگترین مجلس عزاداری دانشگاهی در منطقه شمال غرب تهران است. بخش‌هایی از اولین شب سخنرانی علیرضا پناهیان در دانشگاه امام صادق(ع) با موضوع: «چگونه امتحان می شویم؟» را در ادامه می‌خوانید:

الف) عاشورا محل اتحاد شیعه و سنی است/ برخی یاران حسین(ع) شیعه نبودند نباید عزاداری برای اباعبدالله الحسین(ع) را یک رسم شیعی تلقی کنیم

- قبل از آغاز بحث اصلی خودمان، این جلسه را به گفتگو درباره مجلس عزاداری اباعبدالله(ع) اختصاص می‌دهیم تا نسبت به برخی از اموری که شاید برایمان عادی شده است، توجه ویژه پیدا کنیم یا احیاناً برخی از معلوماتی که در ازدحام برنامه‌های عزاداری اباعبدالله(ع) فراموش می‌شوند، دوباره یادآوری کنیم.

- اولاً در فضای امروز، ما به هیچ وجه نباید عزاداری برای ابا عبدالله الحسین(ع) را یک رسم شیعی تلقی کنیم. هر کجا چنین عباراتی به کار رفت، شما باید روشنگری کنید و اندیشه‌های همه مسلمانان را نسبت به این سنت برجسته، یعنی عزاداری برای شهیدان و به ویژه سیدالشهداء(ع) حساس کنید و توجه همه را به این موضوع جلب کنید.

دشمن امام حسین(ع) بیش از اینکه دشمن شیعه باشد دشمن اهل سنت بود/ یزید از اهل سنت بیش از شیعیان قتل عام کرد

- اساساً ابا عبدالله الحسین(ع) عاشورا را به عنوان یک حماسه شیعی برقرار نکردند. دشمن امام حسین(ع) که یزید بود، بیش از اینکه دشمن شیعه باشد، دشمن اهل سنت بود. و یزید بیش از اینکه از شیعیان قتل عام کند، از سنیان قتل عام کرد.
- اگر منظورمان از شیعه، همان کسانی است که به ولایت علی بن ابیطالب(ع) معتقدند و او را جانشین بلا فصل رسول خدا(ص) می‌دانستند، در آن زمان تعداد این افراد بسیار کم‌شمار بوده و بسیاری از آنها در کربلا به شهادت رسیدند. پس چرا یزید به مدینه حمله کرد و واقعه حرّه را در آنجا برقرار کرد؟!

سربازان یزید در قتل عام حرّه، اهل سنت را کشتند نه شیعه

- سربازان یزید در واقعه حرّه، چنان قتل عامی در مدینه انجام دادند که اگر به زبان امروزی‌ها بخواهیم بحث کنیم، باید بگوییم این قتل عام را از میان اهل سنت انجام دادند؛ یعنی از میان همان کسانی که به امام حسین(ع) نرفته بودند. سربازان یزید در واقعه حرّه، سه روز مال و جان و ناموس مردم مدینه را بر خودشان حلال دانستند؛ شبیه همین رفتاری که تکفیری‌های امروز انجام می‌دهند.
- اگر ابا عبدالله الحسین(ع) مقابل یزید قیام کرد، ماهیت یزید این بود که گفت: «بنی‌هاشم با پادشاهی بازی کردند و الا اصلاً وحی نازل نشده است! لَعَيْتُ هَاشِمٍ بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرُ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ» (احتجاج/ ۳۰۷/۲) کدام اهل سنت بصیری می‌تواند چنین کلامی را از یزید بپذیرد و یزید را بعد از ادای چنین کلامی، مسلمان بداند؟!

- در موضوع کربلا اصلاً بحث شیعه و سنی مطرح نیست. اگر یزید دشمن امام حسین(ع) بوده، او بیشتر در حق اهل سنت جنایت کرده است. حتی اگر مأموران با واسطه یزید، در کربلا امام حسین(ع) را به شهادت رساندند، مأموران بی‌واسطه یزید در مدینه جنایات بیشتری مرتکب شدند. یعنی از نظر نوع جنایت، رفتارهای آنها قبیح‌تر از آن چیزی بود که در کربلا از عمر سعد دیده شد.

عاشورا محل اتحاد شیعه و سنی است/ حق نداریم حسین(ع) را فقط برای خود بدانیم/ برخی یاران حسین(ع) شیعه نبودند

- نکته دیگر این است که امام حسین(ع) خودش را فدای اسلام کرد تا اصل - اسلام باقی بماند. از سوی دیگر در یاران امام حسین(ع) هم کسانی بودند که شیعه-به این معنای اصطلاحی که ما می‌گوییم- نبودند. البته بگذریم از یارانی مثل «وهب» که اصلاً مسلمان نبود و به یاری امام حسین(ع) آمد؛ و در این مسیر اسلام آورد. برخی از اصحاب امام حسین(ع) مانند زهیر و حرّ، این طور نبود که از جهت اعتقادی به این معنایی که ما می‌گوییم، شیعه باشند و به خلافت و ولایت بلا فصل امیرالمؤمنین(ع) معتقد باشند.

- نه ما شیعیان حق داریم حسین(ع) را تنها از خودمان بدانیم و بس، و نه برادران اهل سنت باید حسین(ع) را فراموش کنند و او را از خود ندانند؛ البته این به رفتار ما هم بستگی دارد. عاشورا محل اتحاد شیعه و سنی است. در یک فضای توأم با اخوت اسلامی باید برای امام حسین(ع) عزاداری کرد.

البته معلوم است که شیعیان به امام سوم خود افتخار می‌کنند ولی این‌طور نیست که فقط شیعیان به حسین(ع) افتخار کنند. شافعی که یکی از فقهای چهارگانه اهل سنت است، کسی بود که در رثای اباعبدالله الحسین(ع) کلمات بسیار بلندی دارد. او حتی پرشورتر از برخی روضه‌خوانی‌های ما برای اباعبدالله الحسین(ع) ناله می‌زد.

عزاداری برای حسین(ع) هنوز در میان بسیاری از اهل سنت رسم است / عاشورا یک حماسه اسلامی بود - نه صرفاً شیعی

این دست توطئه استکبار و صهیونیست‌هاست که آمده‌اند نقاط ضعف امت اسلامی را پیدا کنند و آن نقاط ضعف را تقویت کنند. آنها فضا را این‌طور کرده‌اند که بعضی‌ها عزاداران امام حسین(ع) را بکشند. همین الان در بسیاری از محیط‌های اهل سنت داخل و خارج از ایران، هنوز رسم است که برای حسین(ع) عزاداری می‌کنند.

این بی‌سلیقگی است که ما از رسانه‌های خودمان جشن میلاد پیامبر گرامی اسلام(ص) را از کردستان پخش کنیم ولی در روز عاشورا از همین کردستان و برادران اهل سنت که برای امام حسین(ع) عزاداری می‌گیرند، برنامه پخش نکنیم!

در چنین شرایطی به عزای اباعبدالله الحسین(ع) و شعارهای امام حسین(ع) و سخنرانی‌های ایشان باید خیلی دقیق نگاه کرد. تقریباً شما یک کلام در کلمات امام حسین(ع) پیدا نمی‌کنید که به حقایق و اعتقادات «خاص شیعی» اشاره کند. ایشان -در کربلا- مکرر می‌فرمود: آیا من فرزند دختر پیغمبر شما هستم یا نه؟ (أ لَسْتُ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ؛ اعلام الوری/ص ۲۴۱) یک‌بار هم به آنها نفرمود که من امام سوم شما هستم! حتی از غدیر هم آن چنان بحثی به میان نیامد.

عاشورا یک حماسه اسلامی بود -نه صرفاً شیعی- و همین امروز هم اگر این حماسه را با همه خوبان و منصفان عالم و از جمله برادران اهل سنت در میان بگذارید، آن را می‌پذیرند. لذا شما باید امروز به عزاداری حسین(ع) رنگ و رونق تازه‌ای بدهید.

حسین(ع) از کسانی که به امامت و عصمت ایشان اعتقادی نداشتند نیز طلب یاری کرد/روایات و کتاب‌های مقتل اهل سنت نشانه علاقمندی آنها به متصل شدن به حسین(ع) است

حالا به سراغ دشمنان امام حسین(ع) که در میدان کربلا بودند، برویم. برخی از کسانی که پای رکاب امیرالمؤمنین(ع) جنگیده بودند، جزء دشمنان امام حسین(ع) قرار گرفتند. کربلا برای خودش یک مرزبندی فوق‌العاده ویژه‌ای داشت. یعنی بحث بر سر اعتقادات اصلی و بر سر ردایل و فضایل کلیدی افراد بود.

اباعبدالله الحسین(ع) رسماً طلب یاری می‌کردند؛ حتی از کسانی که ذره‌ای به امامت و عصمت ایشان اعتقادی نداشتند و موقعیتی که ما برای حضرت قائلیم، قائل نبودند. که از میان آنها، برخی جواب دادند و برخی جواب ندادند. مثلاً «عبیدالله ابن حرّ جوفی» از جمله کسانی بود که به این دعوت حسین(ع) جواب نداد و پشیمان شد و تا آخر عمر گریه می‌کرد.

یک نمونه دیگر، مقاتلی است که اهل سنت برای امام حسین(ع) نوشته‌اند. حتی بعضاً روایاتی در میان آنها وجود دارد که ما برخی از آن روایات را قبول نداریم و می‌گوییم بعضی‌ها برای اینکه خودشان را به اباعبدالله الحسین(ع) متصل کنند این روایات را ساخته‌اند. اما شما ببینید که در طول تاریخ، فضا چگونه بوده که همه علاقمند بودند خودشان را یک‌طوری به حسین(ع) متصل کنند.

ب) مبانی عزاداری در کتب اهل سنت

وظیفه ما درباره عزاداری حسین(ع) چیست؟/ باید صدای عزاداری حسین(ع) را به گوش همه برسانیم/ ثواب کمک به مجالس عزاداری غیرشیعیان بیشتر است

- حالا ببینید امروز وظیفه من و شما درباره عزاداری امام حسین(ع) چیست؟ ما باید صدای عزاداری حسین(ع) را به گوش همه - جهانیان - برسانیم. اینکه بگوییم: «این عزاداری، صرفاً مراسم ما شیعیان است» سخن درستی نیست.
- از شما جوانان فهمیده و فرهیخته تمنا دارم که بخشی از عزاداری خودتان و بخشی از فعالیت خودتان برای حسین(ع) را به گستراندن فرهنگ عزاداری و فکر عزاداری در میان همه مسلمانان اختصاص دهید و اگر در میان مسلمانان هر کجا چنین عزاداری‌هایی هست، پرچم‌های آنان را برافراشته‌تر کنید. به آن مجالس کمک کنید که بسیاری از اوقات ثوابش بیشتر از این است که بیاید در مجالس مؤمنینی که همه‌شان هم عقیده خودتان هستند.

گریه و ضجه برای شهید، سنت پیامبر (ص) بود / شدت گریه پیامبر(ص) برای حمزه سیدالشهداء، در منابع اهل سنت هم آمده است

- غیر از مسائل تاریخی، وقتی به مبانی عزاداری مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که این سنت پیامبر گرامی اسلام(ص) بود که برای شهید گریه کند؛ کما اینکه ایشان برای حمزه سیدالشهداء ناله می‌زد و گریه می‌کرد. در کتب اهل سنت آمده است که حضرت آن قدر برای حمزه ناله زد که حالت غش به او دست داد. وقتی ایشان سینه چاک خورده و بدن مثله شده حمزه را دید، شروع به فریاد زدن و گریه کردن نمود. (لَمَّا رَأَى النَّبِيُّ حَمَزَةَ قَتِيلًا بَكَى، فَلَمَّا رَأَى مَا مُثِّلَ بِهِ شَهَقَ؛ السیره الحلیه/ ۲/ ۲۴۷) اینکه شما در هیأت‌های خودتان این طور گریه می‌کنید، در واقع سنت پیامبر اکرم(ص) است که ایشان برای شهیدی که او را قطعه قطعه کرده بودند، ضجه می‌زد.
- همچنین در منابع اهل سنت آمده است: «ما ندیدیم پیامبر(ص) به آن شدتی گریه کنند که برای حمزه گریه کردند؛ مَا رَأَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ ص بَاكِيًا أَسْدًا مِنْ بُكَائِهِ عَلَيَّ حَمَزَةَ؛ ایشان بعد از اینکه پیکر حمزه را رو به قبله قرار دادند، آن قدر بالای سر او گریه کردند که حالت غش به ایشان دست داد؛ وَضَعَهُ فِي الْقَبْلَةِ، ثُمَّ وَقَفَ عَلَيَّ جَنَازَتَهُ وَانْتَحَبَ، حَتَّى بَلَغَ بِهِ الْعَشِيُّ؛ ذخائر العقبی/ ۱۸۱)

تا قرن ۲ و ۳ در مدینه رسم بود که مردم قبل از گریه برای مرده خودشان اول برای حمزه گریه می‌کردند

- در دیگر کتب اهل سنت آمده است که وقتی پیامبر اکرم(ص) - بعد از جنگ احد - از کنار خانه‌ای از خانه‌های انصار عبور می‌کردند، دیدند که خانم‌های انصار دارند برای شهدای خودشان گریه می‌کنند. ایشان فرمود: عمویم حمزه، گریه‌کن ندارد. بعد از این ماجرا، زنان انصار قبل از گریه و عزاداری برای اموات خودشان، ابتدا برای حمزه سیدالشهداء گریه و عزاداری می‌کردند (وَ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِدَارٍ مِنْ دُورِ الْأَنْصَارِ مِنْ بَنِي عَبْدِ الْأَشْهَلِ وَ بَنِي ظَفَرٍ فَسَمِعَ الْبُكَاءَ وَ النَّوَاحِ عَلَيَّ فَتَلَاهُمْ فَذَرَفَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ ص فَبَكَى ثُمَّ قَالَ لَكِنَّ حَمَزَةَ لَا بَوَاكِيَ لَهُ؛ تاریخ طبری/ ۲/ ۲۱۰) و (فَلَمْ تَبْكِي أَمْرًا مِنْ الْأَنْصَارِ عَلَيَّ مِثَّ بَعْدَ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص « لَكِنَّ حَمَزَةَ لَا بَوَاكِيَ لَهُ » إِلَى الْيَوْمِ إِلَّا بَدَأَتْ الْبُكَاءَ عَلَيَّ حَمَزَةَ؛ مجمع الزوائد/ ۶/ ۱۲۶)
- تا حدود قرن دوم و سوم رسم بود هر موقع در مدینه در میان مسلمانان کسی از دنیا می‌رفت(نه فقط برای شهدا بلکه برای همه مردگان) بانوان اول برای حمزه سیدالشهداء گریه می‌کردند و بعد برای مرده خودشان گریه می‌کردند(واقعی مورخ قرن دوم و سوم هجری می‌گوید تا زمان ما این رویه ادامه دارد که ابتدا برای حمزه و سپس برای کشته‌های خود عزاداری می‌کنند؛ قال الواقدی: فَلَمْ يَزَلْ يَبْدَأْنَ بِالْبُكَاءِ لِحَمَزَةَ حَتَّى الْآنَ؛ أسد الغابه/ ۲/ ۴۸) همین شیوه‌ای که ما امروز هم در ختم‌های خودمان داریم و برای ابا عبدالله الحسین(ع) گریه می‌کنیم. این سنت باقی بوده و در کتب تاریخی آمده است.

- بنابراین عزاداری مسأله معقوله است و این در میان اهل سنت هم مرسوم و سنت بوده که حتی در کنار گریه برای اموات خودشان، برای حمزه سیدالشهداء گریه کنند.
- در دیگر منابع اهل سنت آمده است که وقتی خبر شهادت جعفر به پیامبر اکرم(ص) رسید، حضرت به خانه جعفر رفتند. رسول خدا(ص) فرزندان جعفر را می‌بوییدند و گریه می‌کردند. به حدی که دیگر خانم‌ها طاقت نیاوردند. حضرت اسماء-همسر جناب جعفر- شروع کرد به ضجه زدن و گریه کردن. در این اثناء بود که حضرت فاطمه زهرا(س) وارد شد. ایشان صدا می‌زد: «وا عمّاه؛ وای عمویم» این را می‌گفت و گریه می‌کرد. بعد پیامبر(ص) فرمود: «عَلَىٰ مِثْلِ جَعْفَرَ فَلْتَبْكِ الْبَوَاكِي؛ باید بر مثل جعفر، گریه کنان گریه کنند» (الاستیعاب/۱/۳۱۳) مانند همین «عموجان، عموجان» که شما در عزاداری‌های خودتان برای ابوالفضل العباس(ع) می‌گویید و صدا می‌زنید.

باید سنت‌های فراموش‌شده عزاداری که توسط پیامبر(ص) تأیید شده را احیا کرد/باید با تشکیل جلسات مشترک شیعه و سنی، عزاداری حسین(ع) را توسعه داد

- اینها مطالبی نیست که فقط ما در کتب شیعی نقل کرده باشیم؛ این‌ها سنت‌هایی است که توسط پیامبر اکرم(ص) تأیید شده است و سنت‌های فراموش‌شده‌ای است که باید احیاء کرد و باید با آغوش باز، جلسات مشترک شیعه و سنی تشکیل داد و عزاداری اباعبدالله الحسین(ع) را توسعه داد.
- نباید پذیرفت که عزاداری فقط کاری مربوط به شیعیان است و فقط با عقاید شیعی می‌توان از آن دفاع کرد؛ به هیچ‌وجه این‌طور نیست.

ج) عزاداری از منظر علوم انسانی و برون‌دینی

۱. بعد سیاسی و روانی) امام خمینی ره: اگر بُعد سیاسی عزاداری را بفهمند، غریزه‌ها هم مجلس عزا برقرار می‌کنند

- حالا اگر با نگاه به ریشه‌های غیر دینی عزاداری، و با یک نگاه تجربی بخواهیم به عزاداری امام حسین(ع) نگاه کنیم، به چه نتایجی می‌رسیم؟ یعنی اگر تشیع و قرآن و روایات را کنار بگذاریم، و برون‌دینی به عزاداری نگاه کنیم. اگر از نظر علوم انسانی و علوم سیاسی و روان‌شناسی و علوم تربیتی به این عزاداری نگاه کنیم، به چه نتایجی می‌رسیم؟
- حضرت امام(ره) می‌فرماید: «ملت ما قدر این مجالس را بدانند، مجالسی است که زنده نگه می‌دارد ملت‌ها را. در ایام عاشورا زیاد و زیاده‌تر... اگر بُعد سیاسی اینها را اینها بفهمند، همان غریزه‌ها هم مجلس بپا می‌کنند و عزاداری می‌کنند، چنانچه ملت را بخواهند و کشور خودشان را بخواهند.» (صحیفه امام/ج ۱۶/ص ۳۴۷) منظور امام از «اینها» روشنفکرهای غریزه است که با عزاداری مخالفت می‌کردند، یا برخی از روشنفکرهایی که نمی‌فهمیدند.
- حضرت امام(ره) عزاداری را یک مقوله سیاسی مفید به حال جامعه می‌دانند که آثار سیاسی بسیار بالایی دارد. اصلاً کسی که سیاست را بفهمد، عزاداری را ترویج می‌کند. باید اساتیدی که دکترای سیاسی دارند و همچنین دانشجویان، بیایند و در این زمینه‌ها مقاله‌های علمی بنویسند. کسانی که در روانشناسی و علوم تربیتی فعالیت دارند، این انرژی مثبتی که در این مراسم‌های عزاداری جمع می‌شود را بررسی کنند. شما یک چنین انرژی مثبتی را در خانه‌های خود و در عزاداری تنهایی خودتان پیدا نمی‌کنید. حتی بدون در نظر گرفتن آموزه‌های دینی و اعتقادات هم می‌توان فهمید که چنین عزاداری‌هایی چه آثار مفیدی برای فرد و جامعه دارد.

• در مراسم صدمین سال میلاد پیازه (روانشناس مشهور) عده‌ای از روانشناسان خارجی را به ایران دعوت شده بودند. بعد از این مراسم، این روانشناسان خارجی را به حرم امام رضا(ع) بردند تا آنجا را هم به عنوان یک جای دیدنی ببینند. آنها به قدری جذب آن فضا شده بودند که دوست نداشتند از حرم بیرون بیایند. تعبیرشان قریب به این مضمون بود که: اینجا چقدر انرژی مثبت وجود دارد! مردم در اینجا یک روح لطیفی پیدا می‌کنند! امواج این مردم دارد به ما می‌رسد و ما چقدر در اینجا احساس خوبی داریم!

امام(ره): عزاداری به نفع ماست؛ همین نفع دنیایی‌اش را حساب کنید!

- اینها مطالبی نیست که تا روز قیامت بخواهیم فقط بر اساس روایات مان بگوییم، عقل نظری و تجربی هم اینها را می‌فهمد. حضرت امام(ره) در فرمایشی به همین موضوع اشاره دارد که بی‌دلیل نیست که برای یک قطره اشک چنان اجر با عظمتی قرار داده‌اند، حتماً اسراری دارد که باید دیده شود. (چرا خداوند تبارک و تعالی برای اشک و حتی یک قطره اشک و حتی تباهی آن قدر ثواب داده است؟ کم کم مسأله از دید سیاسی‌اش معلوم می‌شود و ان شاء الله بعدها بیشتر معلوم می‌شود... بلکه مهم آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند که تا آخر باشد و آن، این [که] اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده و هیچ چیز نمی‌تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سید الشهداء در او تأثیر دارد، تأثیر بکند؛ صحیفه امام/۱۶/۳۴۳-۳۴۵)
- حضرت امام(ره) بر لزوم دسته‌های عزاداری تأکید می‌کنند و آن را تظاهرات سیاسی می‌دانند که باید باقی بماند (این دستجاتی که در ایام عاشورا راه می‌افتند خیال نکنند که ما این را تبدیل کنیم به راهپیمایی. راهپیمایی است خودش. اما راهپیمایی با یک محتوای سیاسی. همان طوری که سابق بود بلکه بالاتر. همان سینه‌زنی، همان نوحه‌خوانی، همانها رمز پیروزی ماست. در سرتاسر کشور مجلس روضه باشد. همه روضه بخوانند. و همه گریه بکنند؛ صحیفه امام/۱۱/۹۹)
- امام(ره) عزاداری را به نفع ما می‌دانند؛ حتی همین نفع دنیایی‌اش. و الا امام حسین(ع) چه نیازی به عزاداری ما دارد؟ (ما تا ابد هم اگر برای سید الشهداء گریه بکنیم، برای سید الشهداء نفعی ندارد، برای ما نفع دارد، همین نفع دنیایی‌اش را شما حساب بکنید، آخرتی‌اش جای خودش، همین نفع دنیایی‌اش را حساب کنید و همین جهت روانی مطلب را که قلوب را چطور به هم متصل می‌کند؛ صحیفه امام/۱۱/۱۰۰)

درک عظمت عزاداری و آثارش، نیاز به دین و ایمان ندارد

- این مباحث با علوم تجربی هم قابل بحث و فهم است. این تکیه‌گاه‌های تاریخی و فرهنگی و این ایستگاه‌های زمانی و شخصیت‌هایی که باید به آنها پناه ببریم، نیاز روانی انسان و جامعه بشری است. غفلت از ابعاد دنیایی و آثار روحی و روانی که در همین دنیا برای ما دارد، و غفلت از برکات عزاداری، آیا چیزی جز رذالت و خباثت است؟ مگر انسان می‌تواند چنین وقایع با عظمتی را در حیات بشری، نادیده بگیرد؟
- **آیا قابل قبول است که این همه مقاله در موضوعات پیش پا افتاده تهیه می‌شود، ولی در مقابل چنین عظمتی، هیچ اتفاق خاصی نیفتد؟ یک روانشناس منصف طبیعتاً می‌آید و این موضوع را دقیق مطالعه می‌کند. درک عظمت عزاداری و آثار و برکاتش، نیاز به دین و ایمان و معنویت و محبت هم ندارد.**

ج-۲) بعد معنوی و اخلاقی

۲. بعد معنوی و اخلاقی) گاهی کارآیی محرم در رشد معنوی ما می‌تواند از کارآیی ماه رمضان هم بالاتر

باشد

- اگر از این بُعد هم بگذریم، به بعد معنوی و اخلاقی عزاداری می‌رسیم. کارآیی محرم در رشد معنوی ما گاهی اوقات می‌تواند از کارآیی ماه رمضان هم بالاتر باشد. حضرت ایت الله بهجت می‌فرمایند بُکاء بر مصائب اهل البیت (علیهم السلام) و به خصوص

سیدالشهداء (علیه السلام) شاید از آن قبیل مستجاباتی باشد که مستحبی افضل از آن نیست! (نکته های ناب/۶۳). حتی نماز شبی که تمام عرفا می گویند بدون آن رسیدن به قرب الهی میسر نیست، باز حضرت آیت الله بهجت می فرمایند: بنده خیال می کنم فضیلت بُکاء [گریه] بر سیدالشهداء (علیه السلام) بالاتر از نماز شب باشد. (در محضر بهجت/۱/۲۱۷)

- مرحوم قاضی هم تعابیر عجیب و بلندی در این زمینه دارند. از ایشان نقل شده که «محال است انسان به جز از راه سید الشهداء به مقام توحید برسد» (ز مهر افروخته/۲۲) نمی شود انسان به جز از راه سیدالشهداء (ع) به مقام توحید برسد. سریان فیوضات و خیرات از مسیر حضرت سیدالشهداء (ع) است و پیشکار این فضیلت هم حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس (ع) است. خود مرحوم قاضی (ره) بنا بر نقلی که از ایشان شده به هرجایی رسیده است از همین طریق بوده است. ایشان می فرمودند: «من هر چه دارم از زیارت سید الشهداء و قرآن دارم» (دریای عرفان/۹۸)
- ما هر چه ضعف اخلاقی داریم معلوم می شود که این دهه محرم را خوب برقرار نکرده ایم. این تو و این امام حسین (ع). در طول سال از چه بابتی از خودت گله مند هستی؟ بیا و در این دهه محرم جبران کن و کم نگذار. شما فکر می کنید فقط برخی از عرق خورها و چاقوکش ها یک دفعه ای متحول می شوند؟ ما نباید بعد از محرم در انگیزه خودسازی و طهارت نفس، مشکلی داشته باشیم.
- اگر کسی از سر سفره اباعبدالله الحسین (ع) گرسنه بلند شود و از در خانه او دست خالی برگردد، دیگر در این عالم چه کسی می تواند دستش را بگیرد؟! محرم باید کار ما را بسازد. ما دیگر نباید از این کاروان عقب بمانیم، از همین شب اول سوار این قطار شوید، شاید از میانه راه، دیگر نتوانید سوار شوید.

امام سجاد (ع) برای عزاداران حسینی غذا تهیه می کرد تا از عزاداری غافل نشوند

- شاید بتوان گفت اولین جایی که مجلس عزاداری اباعبدالله (ع) با شام و غذا برگزار شد و این سنت بنا نهاده شد، توسط امام سجاد (ع) بود. خانمها در سرما و گرما، هر شب عزاداری می کردند و امام سجاد (ع) در تهیه طعام برای خانمها اهتمام می ورزیدند تا آنها به خاطر طبع غذا از عزاداری غافل نشوند و فرصت عزاداری داشته باشند. (لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَ لَيْسَ نِسَاءَ بَنِي هَاشِمِ السَّوَادِ وَ الْمُسُوحِ وَ كُنَّ لَا يَشْتَكِينَ مِنْ حَرٍّ وَ لَا بَرْدٍ وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَ يَعْمَلُ لَهُنَّ الطَّعَامَ لِلْمَأْتَمِ؛ محاسن/۲/۴۲۰)
- بعید می دانم عزاداری ای که الان در تهران داریم مورد رضایت خود شما باشد؛ از بس که کار نشده است. مثل ماهی ای که در آب است و قدر آب را نمی داند، به این موضوع هم بی اعتنایی شده است.
- امام صادق (ع) به یکی از دوستان خود که ساکن بصره بود، فرمودند: شما که اهل عراق هستید و به کربلا نزدیک تر هستید، آیا به زیارت امام حسین (ع) می روید؟ او گفت: بله گاهی می روم ولی اگر زیاد بروم، دشمنان می فهمند که من مرید شما هستم و مرا به قتل می رسانند. حضرت فرمود: آیا گاهی می نشینی مصائب حسین (ع) را یادآوری کنی؟ آیا جزئیات مصائب را در ذهن خودت مرور می کنی؟ گفت بله. فرمود: آیا بر مصائب حسین (ع) گریه می کنی؟ گفت بله، به قدری که خانواده ام اثر آن را در من می بینند. حضرت شروع به گریه کرد و فرمود: خدا اشک چشم تو را رحمت کند. (قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ: يَا مِسْمَعُ أَنْتَ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ أَمَا تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَ؟ قُلْتُ: لَا أَنَا رَجُلٌ مَشْهُورٌ عِنْدَ أَهْلِ الْبَصْرَةِ... قَالَ لِي: أَمَا تَذَكُرُ مَا صُنِعَ بِهِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ / قَالَ: فَتَجَزَعُ؟ قُلْتُ: إِي وَ اللَّهِ وَ أَسْتَعْبِرُ لِذَلِكَ حَتَّى يَرَى أَهْلِي أَثَرَ ذَلِكَ عَلَيَّ فَأَمْتَنِعُ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى يَسْتَبِينَ ذَلِكَ فِي وَجْهِ قَال: رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَكَ أَمَا أَنْكَ مِنَ الَّذِينَ يُعْذُونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا؛ كامل الزيارات/ص ۱۰۱)

قاعده طلایی برای اعلام اثر عاشورا در انسان‌ها: خبر شهادت حسین(ع) حب‌الدنیا را از دل خارج می‌کند / هر کسی این اثر را نگرفته، هنوز عاشورایی نشده است

- همین‌که خبر شهادت سیدالشهداء(ع) به کسی برسد برای ساخته شدن او کافی است؛ این خبر، حب‌الدنیا را از دل خارج می‌کند. نباید چیزی از حب‌الدنیا در دلت بماند، اگر چیزی باقی ماند، باید برگردی و از امام حسین(ع) بخواهی درستش کند.
- وقتی خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی را به امام حسین(ع) دادند، حضرت گریه کردند و فرمودند: «انا لله و انا الیه راجعون». همه منتظر عکس‌العمل حضرت بودند که ببینند آیا از این راه برمی‌گردند یا ادامه می‌دهند؟ حضرت با بیان یک جمله، مشخص کردند که این راه را ادامه خواهند داد و با این جمله، در واقع یک قاعده طلایی را اعلام کردند که قانونی است برای اعلام اثر عاشورا در انسان‌ها. هر کسی این اثر را نگرفته، هنوز عاشورایی نشده است: حضرت فرمود: «لَا خَيْرَ فِي الْعَيْشِ بَعْدَ هَوْلَاءَ» یعنی بعد از شهادت مسلم، دیگر خیری در این زندگی نیست. این یعنی «من کربلایی شدم». وقتی خبر شهادت مسلم، چنین اثری دارد، خبر شهادت حسین(ع) باید با ما چه کند؟ بعد از عاشورا ما به حکم دستور خدا به زندگی وادار می‌شویم و الا بعد از حسین(ع) دیگر دل و دماغ زندگی کردن برای ما باقی نمی‌ماند...

